

بسم الله الرحمن الرحيم

خون‌هایی که در نبود سپر هدر می‌روند!

(ترجمه)

بین حاکمی که مقیاس اعمالش حلال و حرام است و بر اساس اسلام حکم می‌کند تا حاکمی که به شیوه رقابت بر آریکه قدرت دست یافته و از امنیت خود هم عاجز مانده، فرق بسیار وجود دارد. اسلام و هم‌چنان رسول الله صلی الله علیه وسلم به ما آموخته‌اند که حاکم سرپرست و مسئول در برابر رعیت‌اش می‌باشد؛ برخلاف آن‌چه امروز به طور عام در سودان و به شکل خاص در منطقه «جنینه» جریان دارد.

در منطقه کریندیک ولایت دارفور جنینه به تاریخ روز شنبه 2021/1/16م، در اردوگاهی واقع در شرق این شهر که برای آوارگان و محل اقامت قبیله مسالیت می‌باشد، جنایتی رخ داد. قبیله مسالیت قبیله‌ای است که از آتش جنگ‌های رژیم قبلی در سال 2003م، مجبور به فرار شد و ایشان از قبایل اعراب صحرائین هستند. این قبایل در بین خود خدعه کاری و فریبکاری داخلی دارند و کسی دیگری را هم قبول ندارند، این‌ها عرب و از قبیله مسالیت می‌باشند، هیچگاه یک‌دیگر را قبول ندارند. چند ماه پیش حادثه اتفاق افتاد که شخصی از قبیله عرب از منطقه کریندیک عبور می‌کرد که برخی از مردم قبیله کریندیک بی‌موجب با او جدال کردند و این فرد را کشتند و بعداً جسد او را به خیابان انداختند، سپس اهل مقتول به جست‌وجوی متوفای خود بودند تا این که او را کشته پیدا کردند. بنابراین وابستگان مقتول تمام منطقه را سوزاندند و بعد از آن همه ساکنین کریندیک به سوی شهر جنینه فرار کردند تا این که این شهر از کنترل دولت خارج گردید؛ سپس آن‌چه بنام اجاوید مسمی بود، ایجاد شد و این‌ها رهبران قبایل بودند که خواستار آشتی و هم‌زیستی شدند.

اما این‌ها همه راه‌حل‌های کوتاه‌مدت و مقطعی می‌باشند، نه راه‌حل اساسی و مستحکم. بعد از آن حکومت انتقالی آمد تا این که این جنگ را معالجه کند؛ ولی شکست خورد و هنوز یک ماه از عمر این حکومت سپری نگردیده بود که دوباره این مشکل ایجاد گردید؛ اما در محتوای خود این مرحله خسارت‌های بزرگ‌تری را در پی داشت. ولا حول ولا قوة إلا بالله!

مشکل زمانی ایجاد شد که شخصی از قبائل عرب از منطقه کریندیک می‌گذشت که بین او و شخص دیگری مشاجره شد و در این هنگام یکی از آن‌ها با چاقو و نیزه دیگری را کشت و بعداً به خاطر اجرای قانون قاتل دستگیر شد. ولی دیگر گل به دیوار نمی‌چسپید، و حالت خون‌ریزی متوقف نگردید؛ بلکه وضعیت بغرنج و پیچیده‌تر گردید و حکومت نیز در خصوص امنیت و زندگی مردم و محاسبه مجرمین هم‌چنان خاموش است؛ مانند خاموشی قبور و هیچ مسئولیت و تحرکی در این بخش از آن دیده نمی‌شود. گویا که آن‌چه جاری‌ست، دولت در آن هیچ دخلی ندارد! درحالی که امنیت در آن منطقه اصلاً وجود ندارد و اهل مقتول از هر سمت و سوی با تمام ابزار جنگی، قوت و اسلحه خود، برپا شدند و منطقه را به محاصره‌شان درآوردند و بعد آن منطقه را آتش زدند و اطفال، زنان و بزرگان را کشتند و نیز املاک‌شان را به غنیمت بردند و جانب دیگر هم بطور کامل مسلح است که مشکل را زیاده‌تر می‌سازد. در

کشور سودان سلاح بیشتر از قرص نان است؛ چون برای گرفتن یک عدد قرص نان باید چهار ساعت به نوبت استاده شوید، ولی سلاح به هرگوشه و کناری بسیار به سادگی قابل دسترس است.

ممکن قبایلی که مسلح‌اند، با دولت مواجه شوند و امکان دارد دولت تا حدی بتواند مانع قبایل شود. ولی روزی بعد جنگ را به طور عملی از داخل شهر آغاز کردند و اردوگاه اباذر که قبیله مسالیت در آن ساکن است سوزانده شد... اما می‌توانیم از این قبایل بپرسیم که چرا این درگیری پوچ را به نام قبیله یا رنگ آغاز نمودید که به خاطر این جنگ مردم بی‌گناه و بی‌سرپناهی که تحت خیمه/چادرها زندگی می‌کنند کشته می‌شوند؟ الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ [حجرات: 13]

ترجمه: ای مردم، ما شما را از مرد و زن آفریده‌ایم و شما را گروه‌ها و قبیله‌هایی گردانده‌ایم تا همدیگر را بشناسید. گرامی‌ترین تان در نزد الله پرهیزگارترین تان است. بی‌گمان الله (سبحانه و تعالی) دانا و آگاه است.

و نیز الله سبحانه و تعالی در جای دیگر می‌فرماید:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافَ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ﴾ [روم: 22]

ترجمه: و از نشانه‌هایش آفرینش آسمان‌ها و زمین و گونه‌گونی زبان‌ها و رنگ‌های تان است. بی‌گمان در این کار برای دانشوران مایه‌های عبرتی است.

هیچ‌کس نمی‌تواند تصور کند که یک قوم و ملت از یک نژاد، قبیله و یک رنگ واحد هستند! همانا الله سبحانه و تعالی انسان را در این دنیا به رنگ‌های مختلف و لسان‌های متفاوت خلق کرده و این از نشانه‌های آن برای جهانیان است. در اختلاف رنگ‌ها و زبان‌ها هیچ‌کس بهتر از دیگری نیست و به نزد او سبحانه و تعالی تنها بهتری و فضیلت در تقوا می‌باشد. از ابوهریره عبدالرحمان بن صخر روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَىٰ أَجْسَامِكُمْ، وَلَا إِلَىٰ صُورِكُمْ، وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَىٰ قُلُوبِكُمْ» (رواه مسلم)

ترجمه: همانا الله سبحانه و تعالی به جسم‌های تان نظر نمی‌کند و نه هم به صورت‌های تان، بلکه به قلب‌های تان می‌بیند.

پس بهتری در تقوا است، نه در رنگ‌ها و زبان‌ها؛ چنان‌چه رسول الله ما را نهی کرده است و می‌فرماید: «دَعَوْهَا فَإِنَّهَا مُنْتَنَةٌ»؛ در حقیقت دعوت به سوی بدبوی‌ها است. این گفته با حدیث که جبیر بن مطعم رضی الله عنه روایت کرده واضح‌تر می‌شود که رسول الله فرمودند:

«لَيْسَ مِنْ أُمَّةٍ دَعَا إِلَىٰ عَصَبِيَّةٍ، وَلَيْسَ مِنْ أُمَّةٍ قَاتَلَ عَلَىٰ عَصَبِيَّةٍ، وَلَيْسَ مِنْ أُمَّةٍ مَاتَ عَلَىٰ عَصَبِيَّةٍ»

ترجمه: از ما نیست (یعنی از پیروان من نمی‌باشد) آن که دعوت می‌کند به سوی عصبیت (ارزش‌های نژادی، قومی، لسانی، وطنی و ...) و از ما نیست آن که می‌جنگد به خاطر (ارزش‌های نژادی، قومی، لسانی، وطنی و ...) و از ما نیست کسی که بمیرد بخاطر عصبیت (ارزش‌های نژادی، قومی، لسانی، وطنی و ...).

و در احادیث مختلف دعوت به قبیله و قوم را اسلام حرام قرار داده است.

«وَمَنْ ادَّعى دَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ فَإِنَّهُ مِنْ جُنَاءِ جَهَنَّمَ»

ترجمه: کسی که ادعا دعوت به سوی جاهلیت را داشته باشد به تحقیق که پاداش آن جهنم است.

گفتند یا رسول الله و اگر روزه می‌گرفت و نماز می‌خواند؟ رسول الله گفتند: «نَعَمْ، وَإِنْ صَلَّى وَصَامَ، فَادْعُوا بِدَعْوَى اللَّهِ الَّتِي سَمَّاهُ الْمُسْلِمِينَ الْمُؤْمِنِينَ عِبَادَ اللَّهِ»؛ بلی، اگر روزه می‌گرفت و نماز می‌خواند؛ پس دعوت به سوی الله را فراخوانید، الله که شما را مسلمان، مؤمن و بندگان خود نام نهاد.

پس در غیاب دولت اسلامی و دولت خلافت راشده قتل یک امر طبیعی گردیده است! و این دلالت بر عدم موجودیت مسؤل و حاکم عادل را می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و سلم وی را خلیفه مسلمانان مسمی کرده است. چنان چه می‌فرماید: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا»؛ بگوید نیست هیچ معبودی به جز الله سبحانه و تعالی تا این که راستکار شوید.

و گفتند: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا وَتَمْلِكُوا بِهَا الْعَرَبَ، وَتَذِلُّ لَكُمْ الْعَجَمُ»؛ بگویند نیست هیچ معبودی به جز الله سبحانه و تعالی تا این که راستکار شوید و به آن عرب مالک می‌شود و عجم (روم و فارس) خوار و ذلیل می‌گردد.

و این در بین امت غائب است. پس در سودان جنگ‌های قبیله‌ای آشفتگی را ایجاد کرده و دولت‌هایی که پی‌درپی می‌آیند، هیچ ارزشی به انسان قایل نیستند؛ مگر در حالت دفاع از چوکی و آن‌ها هم چنان شناخت درست و کاملی از معنی رهبری و مسؤلیت ندارند!

عمر رضی الله عنه می‌فرماید: «لو عثرت بغلة في نهر الفرات لخشيت ربي أن يسألني عنها»؛ اگر یک قاطر در رود فراط بیفتد؛ از پروردگارم می‌ترسم که از من در باره آن پرسان می‌کند.

پس حال ما را ببینید و بین آن‌ها و این مزدوران کرابی و دولت‌های مزدور وطنی که سبب بذر مشکلات اند، مقایسه کنید؛ درحالی که این مشکلات و نزاع‌ها توسط عمرالبشیر از سال 2003م آغاز شد و این نزاع تا پایان حکومت البشیر ادامه داشت و پس از آن انقلاب با این شعار «یا عنصری ومغروور کل البلد دارفور» (ای نژادپرست و مستکبر کل سودان) آغاز شد. پس مردم گمان می‌کردند که بعد از سقوط طاغوت بزرگ (عمرالبشیر)، زندگی سالم‌تر در آن قبایل حاصل و به زودی توافق صلحی بین مردم و شهروندان بوجود می‌آید! اما آن چه اتفاق افتاد، دقیقاً برعکس آن چه بود که انتظار می‌رفت، و اوضاع بیشتر خراب شد و دولت عمرالبشیر خاتمه یافت؛ بنابراین امنیت و ثبات هم به وجود نیامد.

پس در زیر سایه چنین حکومت‌های ملی زندگی امن و وضعیت ثبات را هرگز نخواهید داشت؛ بلکه اوضاع بدتر خواهد شد. در نتیجه بر ما واجب است که دست به دست هم داده بار دیگر آن مجد و عزم گذشته خویش را همراه با دعوتگران به سوی خلیفه مسلمانان که مطابق به شریعت الله سبحانه و تعالی حکم می‌کند، در زیر سایه دولت خلافت راشده بر اساس منهج نبوت تلاش کنیم.

نویسنده: الأستاذ آدم ذهب (أبو آسیا)

مترجم: پارسا «امیدی»